

# بخش دهم

## سیرتحقق قانون در دوره طالبان

میزان سال (۱۳۷۵) الی عقرب سال (۱۳۸۰) هجری شمسی  
سپتامبر سال (۱۹۹۶) الی نوامبر سال (۲۰۰۱) میلادی

بحث قانون و قانونیت رادر این دوره با مکتب و تحلیل مختصر از فرمان رهبر طالبان (امیرالمومنین آخند محمد عمر) آغاز مینمایم که مبین ماهیت رژیم میباشد. طالبان در اولین روزبفدرت رسیدن خویش چنین فرمان صادر نمودند که :

زنان از آغاز آفرینش، گناهکار آفریده شده اند و تنها راه فراریک مسلمان اصیل از گناه آن است که زن، یا زنان او در پنهانی ترین گوشه خانه، زندگی کنند.

فرمان دیگر رهبر طالبان که در جریده رسمی شماره (۷۸۶) نشر گردید، مشعر است :  
موظفین امر بالمعروف و .. به دفع نمودن منکرات ذیل مکلف میباشند:

- ۱- هرزنیکه باروی برهنه، بی حجاب و یا بدون چادری از منزل خارج بیرون دیده شود منزلش را نشانی نموده برای شوهرش جزای لازم بدهد یا زن را بانظرداشت حالت جا بجا تهدید نماید.
- ۲- هرگاه زن ذکر شده مندرج جزیک این فقره دروسایط نقلیه درحالت انتقال دیده شود، دریور را بانظر داشت حالت ازیک الی پنج یوم حبس نماید.
- ۳- در صورت کشف و دستگیری کستهای ساز و سرود یا فلم های ویدئوی درد کان، هوتل، وسایط نقلیه و یا جاهای دیگر، شنونده کستها بامالک آن الی ده یوم حبس نمایند....
- ۴- مردیکه ریش راتراش و یا کوتاه نمایند بانظرداشت حالت مجرم تا ده روز حبس و یا حسب لزوم دید حاکم وقت تعریز نمایند.
- ۵- در وقت نماز مسئولین امر از ادای نماز دریک وقت مراقبت جدی نمایند. هرگاه در وقت ادای نماز در دکان شخص بالغ دیده شود دکان ای پنج روز مسدود میگردد.
- ۶- هر شخصیکه کبوتر بازی مینماید وی تاوقتی حبس گردد که موصوف از منزلش کبوترها راگم (ناپدید) نماید.
- ۷- هر شخصیکه به استعمال مواد مسکره معتاد باشد با نظر داشت حالتش به طور ذیل محبوس نمایند :

- چرسی الی ۳ ماه - هیروینی الی ۶ ماه - شرابخور را بمنظور تطبیق حد شرعی به محکمه ذیصلاح بسپارند. و فروشنده گان .... الی یکماه حبس گردد.  
- شخصیکه بنگ را زرع مینماید ... تاوقتی بندی نماید که تاخویشاوندانش بوته های بنگ را محوه و برای اداره مربوط اطمینان دهند.

۸- فروشنده سامان کاغذ پرانی را منع نموده و دکانش سه یوم مسدود گردد و مردم را از اضرار کاغذ پرانی که مصرف بیجا، محرومیت از تعلیم و تربیه و دیدن منازل اشخاص غیرمیباشد بیان دارید.

۹- محلات رفت و آمد عامه (دکان، موتر، هوتل و غیره) مطلق عکس را بطریقه ممکن محوه نمائید و عکاسان نمیتوانند بدون ضرورت مانند (پاسپورت و تذکره) عکس اشخاص را بگیرد.

۱۰- دکانداران نمیتوانند مجسمه های پلاستیکی و غیرپلاستیکی را خرید و فروش نمایند. - شخصیکه خلاف شریعت موهای سرخویش را به شکل بیبتلی (انگریزی یا امریکائی) آرایش دهد وی دستگیر شود و موهایش را توسط سلمانی به تراشد.....

۱۱- قمار بازی یکماه حبس

۱۲- زنیکه درقریه، بادیه یا صحرا درجوار چشمه کالاشوئی مینماید خانه اش نشانی و صاحب خانه مجازات گردد.

۱۳- در عروسی و سایر شادی ها رقص و سرود زنانه به آواز بلند منع نمائید و در خانه یکه چنین عمل صورت گیرد صاحب خانه شدیداً مجازات گردد.

- زنیکه توسط خیاط لباس میدوزد در دکان دیده شود زن را تهدید و خیاط را الی ده روز حبس نمائید.

۱۴- شخصیکه جادوگری مینماید کتابش حریق و جادوگر تا وقتی حبس شود که توبه نماید.

۱۵- شخصیکه حیوان جنگی مینماید الی ده یوم حبس گردد.

۱۶- زنان نمی توانند که در حمام های شهر بروند. در شهرها حمام های عمومی مسدود گردد و مالک به عوض آن حمام های نمره اعمار نمایند.

فرامین متذکره بیانگر معرفی رهبران و کادرهای نظام میباشد که دارای سطح پائین سواد بوده و نسبت عدم درک واقعی از مفهوم دین و آگاهی از دین مقدس اسلام، بر علاوه داشتن عقده های مذهبی، قومی و لسانی، غرق در افکار قرون اوسطائی بوده و در بد نامی اسلام (اسلام ستیزی) وظایف داده شده خویش را، رهبران بصورت عمدی و صفوف طالبان به صورت غیر عمدی انجام داده و میدهند، آنان از علم و دانش، تخنیک و پیشرفت، انکشاف و تمدن جامعه و جهان فاصله و نفرت دارند. لذا نسبت عدم فهم، درک و دانش از پرنیسیپهای حقوق و آزادی انسان، روزانه مصروف تخلف و تجاوز به حقوق انسانان، قتل و کشتار و صدها جنایت دیگر میباشند و هستند. شخص امیر المومنین با صدور چنین فرامین، فتوا و هدایت دیگرزمینه صدها تخلف و تجاوز به حقوق و آزادیهای هموطنان ما را فراهم نمود. و با تطبیق چنین فرامین بر علاوه تخلف و تجاوز به حقوق و آزادی مردم، مجریان آن به جنایتکاران حرفوی روزمره تبدیل شدند.

وکی پدیا درباره ملا عمر چنین تحریر نمود: (محمد عمر در سال (۱۹۵۹) میلادی در روستای نوده ولایت کندهار تولد شد. اما طالبان میگویند ملا عمر در سال (۱۳۳۹)

هجری شمسی «۱۹۶۰ م» در جنوب افغانستان، در قریه چاه همت در ولسوالی خاکریز ولایت قندهار به دنیا آمد و طبق گفته های طالبان ملامحمد عمر در سن ۵۵ سالگی درگذشت. موصوف در اوایل سالهای تحت نام جهاد افغانستان علیه دولت شوروی یک عسکر عادی بود و در جریان جنگ یک چشمش زخمی شد.

پس از خروج ارتش شوروی از افغانستان بین سالهای (۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴) میلادی ملا عمر امام مسجد یک قریه در غرب قندهار شد. در اکتوبر سال (۱۹۹۴) میلادی ملا عمر، رهبر طالبان شد. در سال (۱۹۹۶) میلادی در جلسه بزرگی متشکل از ۱۵۰۰ طالب دینی در قندهار دایر شد، به ملا عمر لقب «امیر المؤمنین» اعطا گردید. تا آن زمان طالبان تقریباً ۹۰ درصد خاک افغانستان را تصرف کرده بود. و بعد از پنج سال به اثر حملات ناتو در راس ارتش آمریکا، با همکاری نیروهای ائتلاف شمال در نوامبر سال (۲۰۰۱) میلادی حکومت طالبان تحت رهبری ملا عمر پس از مقاومت کوتاهی سقوط کرد.

نگاهی بر رعایت قانون و قانونیت درین نظام، مستلزم شناخت از شکل و ساختار، اهداف و کادرهای رهبری کننده آن میباشد. لذا ضرور پنداشته میشود تا روی مطالب ذیل با آنکه در حاشیه قرار میگردد معلومات مختصر ارائه میدارم:

**- طالبان کی هستند و چرا و یکدام شکل و هدف این مکتب بوجود آمد؟**

**- پیرو کدام اندیشه بوده و دارای چه اهداف جهت رفاه مردم و جامعه میباشد؟**

**- حمایت کننده گان داخلی و خارجی طالبان کی هستند؟**

به اساس مطالعات و بررسی ها، تعریف ذیل را میتوان از طالبان ارائه نمود:

طالبان عبارت از چکیده عصاره های تند روان اسلامی که ناشی از تضاد های جنگ سرد بوجود آمدند، میباشد که مجهز با افکار و اندیشه های قبیلوی بخصوص قبایل پاکستانی بوده در کوره های عقاید عقب مانده مذهب دیوبندی و مذاهب دیگر پرتاب شده و باهیزم کشورهای (کمک کننده مالی و معنوی عربستان سعودی، آمریکا - انگلیس) واقع کشور پاکستان با آتش بیسوادی و افکار تجری که از علم و تمدن نفرت دارند، نیم سوز شده و جهت تحقق منافع تولد کننده گان شان در آغوش سازمان القاعده صیقل یافته و به آفت انسان کشی در منطقه و جهان تبدیل گردیده اند. پاکستان بعنوان چوکیدار منفعت جو (حامی) بمرکز تجمع، تربیه گاه و آماده کننده نیرویهای تروریستی که توسط کشورهای فوق الذکر اکمال و تجهیز میگردد، در تباهی مردم و کشور ما و سایر انسانان کره زمین و بد نامی دین اسلام صادقانه اجرای وظیفه مینمایند.

سازمان دهنده گان جنگ سرد جهت شکست حریف خویش مرتکب چنان اعمالی گردیدند که فعلاً جهان و بالاخص مردم و خاک ما روزانه در آتش آن میسوزند. آنان با کمکهای مالی، نظامی و سیاسی، سازمان القاعده را ایجاد، رشد و توسعه دادند و سپس در ایجاد و توسعه گروه های مختلف تندروان اسلامی تحت شعاع آن سازمان پرداختند.

اندیشه اسلام ستیزی در تطابق با منافع دور اندیشانه کشورهای امپریالیست جهت ناامنی، تخریب و ویرانی کشورهای اسلامی، منطقه و حتا در سطح جهان بوجود آوردند. آنان با کمک های مختلف النوع به مدارس دینی پاکستان نقش عمده را در افراط گرایی مذهبی و اسلام ستیزی انجام داده و میدهند.

اهداف توسعه طلبانه ایجادگران آن با کمک مالی اعراب و نیت خصمانه پاکستان زمینه آنرا بوجود آورد که اداره استخبارات و ارتش پاکستان اقدام به سازماندهی وسیع نمود: در مرحله اول اقدام به دعوت مسلمانان ناراضی سراسر جهان جهت پیوستن به صفوف جهاد افغانستان نموده و زمینه های ورود تعداد زیادی از عناصر افراطی و متعصب را آماده ساخت. دولت پاکستان در آن زمان به سفارت خانه هایش دستور داد که بدون هیچ سوال و جوابی به دواطلبان جهاد در افغانستان ویزه بدهند. همزمان با آن اخوان المسلمین خاورمیانه و مجامع وهابی در عربستان نیز با صدور اعلامیه های متعدد از مسلمانها جهان خواستند تا به دعوت پاکستان لبیک بگویند. در حقیقت طراح اصلی این ماجرا ویلیام کیسی رئیس سازمان سیا بود.

قسمت اعظم مصارف پروژه طالبان را عربستان سعودی متقبل شد. استخبارات پاکستان و جماعت اسلامی بر رهبری قاضی حسین احمد، کمیته مشترکی برای پذیرایی عناصر افراطی تشکیل داده بودند و راه را برای پیوستن آنان به حزب اسلامی حکمتیار بیشتر آماده نمودند. طبق برخی اطلاعات، طی ده سال بیشتر از سی و پنج هزار مسلمان افراطی از (۴۳) کشور اسلامی به آن پروژه جذب شدند.

عامل دیگر در توسعه مدارس دینی و مذهبی پاکستان در آن زمان، انقلاب اسلامی ایران بود چرا که رهبران مذهب شیعه قدرت دولتی را در ایران بدست گرفتند. دولت پاکستان رژیم ایران را به حمایت از شیعیان پاکستان متهم مینمود و احیاء تفکر سنی افراطی را گزینه ای مؤثر برای مقابله و خنثی کردن آن اختلافات مذهبی دانستند. در عین حال پیروزی رژیم اسلامی ایران با واکنش منفی برخی از کشورهای جهان عرب مواجه گردید. کشورهای عربی به منظور جلوگیری از گسترش نفوذ رژیم اسلامی ایران در پاکستان و منطقه حمایت و پشتیبانی از گروه های تندرو اسلامی سنی مذهب را بیشتر نموده و به گسترش و حمایت مالی از مدارس مذهبی پرداختند. قرار آمار نشر شده در مطبوعات جهان بیشتر از (۱۵۰۰۰) مدرسه دینی - مذهبی در پاکستان وجود آمد.

احمد رشید یکی از ژورنالیستان سرشناس پاکستان طی گزارش خویش مینویسد: (که در پایان دوره ضیاء الحق، حدود (۸۰۰۰) مدرسه رسمی و (۲۵۰۰۰) مدرسه غیر رسمی فعال شده بود. بایک محاسبه ابتدایی به آسانی می توان فهمید که آن تعداد استادانیکه در سطح عالی و یا متوسط دانش اسلامی بهره مند باشند، وجود نداشت. به قول احمد رشید، ملایانی جاهل و کم سواد، آموزش طلاب این مدارس را به عهده گرفتند. ملایانی که تفسیر آنان از شریعت و مذهب، مانند آموزش های جمعیت العلماء، عمیقاً متأثر از مقررات، ضوابط و رسوم قبایلی بود. این مقررات، قواعد و قراردادهای نامدون هستند که مناسبات و روابط درونی و بیرونی قبایل را بر اساس آن تنظیم مینماید. اکثر مدارس در مناطق روستایی و نزدیک به اردوگاه های آوارگان افغان قرار داشتند. یگانه مراکزی بودند که شمولیت در آن ساده و بدون مصرف بود. از این رو تعداد زیادی از نو جوانان آواره به این مدارس روی آوردند تا اگر چیزی نیاموختند لااقل از امکانات مالی و معیشتی آن برخوردار شوند.

به اساس راپورهاییکه از طریق رادیو بی - بی - سی منتشر گردید، یک تعداد مدارس طالبان به محل فسق و فجور تبدیل شده بود. طبق گزارش نشر شده در سال (۱۹۹۶) میلادی طی یکسال بیش از (۴۲۳۰) واقعه عمل لواطت که در مدارس دینی صورت گرفته بود، به ارگانهای عدلی کشور پاکستان ثبت گردیده بود. اینکه چه تعداد مفعولین و یا مسئولین امور

بنابر ممانعت ها و عوامل مختلف نتوانستند به ارگانهای عدلی مراجعه نمایند، معلوم نیست شاید بیشتر از دوچند آن باشد. این فسق و فجور یاد شده در بین طالبان بیشتر گردید چنانچه امیر المومنین به اساس فرمان خویش تحت نام توصیه درباره خارج نمودن (برهنه رویان) از دلگی ها و محاذات صادر نمود که در شماره (۷۸۸) جریده رسمی به نشر رسید. به مسئولین محترم و تمام طلبا : - گرچه چندین بار برای شما گفته شده است که در دلگی ها و محاذات با طلبا برهنه روی ها نباشد مگر تا کنون این سخن کاملاً عملی نگردیده است و باز هم برهنه روی ها با شما دیده میشود. اکنون باز هم به هر مسئول و طالب امرن است که به همراهی هر کسی که برهنه روی باشد آنرا جواب نماید. در آینده به بازگفتن ضرورت پیدا نشود. اگر باز هم اطاعت صورت نگیرد مجبوراً به مجرم جزا داده خواهد شد. والسلام.

### در این حالت شرعیت و قوانین اسلام جنبه تطبیقی نداشت !!!

باتغیر سیاست جهانی، یکتازی بلاک غرب و با بقدرت رساندن (تنظیمهای جهادی) تربیت یافته گان شان در افغانستان و منطقه بنابر عوامل مختلف ناآرامیها و ج گرفت و کشور ما از نظر دور نگه داشته شد. از جمله یکی از عوامل فوق عدم موجودیت پلان و هدف مشخص رهبران تنظیمها در جهت منافع مردم و کشور ما بود. از ابتداء آنان جهت بدست آوردن منافع شخصی از دین اسلام بعنوان ابزار استفاده نمودند و تنظیمهای متعدد و مخالف را بکمک دشمنان خاک و مردم ما بوجود آوردند بعداً در تقسیم قدرت و چور و چپاول دارائیهای عامه و خصوصی بین خود مصروف جنگ و ویرانی گردیدند. بر علاوه تخریب و ویرانی، در تجاوز به مال و ناموس مردم، غصب املاک دولتی تحت عناوین مختلف (غنیمت) جنایات غیر قابل تصور را ثبت تاریخ کشور ما نمودند. ظلم، ستم و جنایات روزمره آنان از یکطرف سبب نارضایتی مردم در اکثر نقاط کشور گردید و از جانب دیگر با بقدرت رسیدن رهبران تنظیمها و قوماندانان مسلح، اقدام به نافرمانی از بادران و پرورده گان قبلی خود ( امریکا - انگلیس، پاکستان و ..) نمودند همان بود که حامیان قبلی شان باتغیر تاکتیک و تعویض مهره هادر تحقق اهداف طویل المدت خویش ادامه دادند.

مجاهدین نا راضی افغان، ناراضیان دیگر سازمانها، حتا بعضی حلقات افغانی که ادعای روشنفکری را مینمودند، جهت ضربه زدن به حریفان، خود را در لحافهای قومی، لسانی، مذهبی و سایر امراض تباه کننده کشور ما پوشانیده و در خدمت دشمنان وطن و مردم ما ( استخبارات پاکستان و حامیان شان) قرار گرفتند. با همکاری گروه های تندرو پاکستانی و دیگر ناراضیان مسلمان از سایر نقاط جهان که در پاکستان تجمع نموده بودند، تحت نظر استخبارات آنکشور در مدارس بر علاوه دورس دینی، تربیت نظامی و چرنیکی شامل پروگرام مدارس دینی و مذهبی گردیدند و آن مدارس مرکز تربیه اطفال و جوانانیکه در محیط تنگ فامیلهای متعصب مذهبی تولد و از علم و دانش، معارف، فرهنگ و تمدن بدور مانده بودند، توسط ملایان متعصب و هابی و دیوبندی که اسلام را در چوکات تنگ عقلی خویش محدود ساخته با تدریق نمودن افراطی ترین اندیشه های اسلامی، دین را به ایدولوژی جبار و ظالم تبدیل نمودند و تا حال این فعالیتهاى ضد اسلامی و ضد انسانی شان ادامه دارد. سازمان استخباراتی و دولت پاکستان به زایشگاه طالبان (مرکز تولید و توریسترو ریستان) تبدیل گردیده اند.

از جانب دیگر عربستان سعودی و سایر هم کیشان و هابیت که تمویل کنندگان این مدارس بوده و میباشند، با جمعیت العلماء پاکستان پیوند اعتقادی نزدیک داشته، با استفاده از این زمینه، به ترویج و القای و هابیت پرداختند، تا سربازان جدید راجهت اشاعه و ترویج افکار خویش بدست آورند. سربازان بیسواد، متعصب، تنگ نظری خبر از جهان که نه از تاریخ خود و نه از تاریخ و هدایات مفید اسلام اطلاعی لازم نداشتند، تنها تحت تأثیر تبلیغات و فتوای ملایان و هابی در محدوده کلتور عقب مانده محیط و ماهول زنده گی خویش قرار گرفته و در جهت تحقق منافع آنان عمل مینمایند. بهمین شکل چندین مرکز تربیه و پرورش تروریستان دیگر وجود دارد، که میتوان از مدرسه حقانیه در اکوراختک که توسط مولانا سمیع الحق اداره میشود و مدرسه جمعیت العلوم اسلامی که در شهر مینوری نزدیک کراچی قرار دارد و... که توسط دولت پاکستان حمایت میگردند. و دهها گروه دیگر... .

محمود خان اچکزی یکی از رهبران حزب ناسیونالیست پشتون پاکستان در سال (۱۹۹۵ م) اظهار داشت که: (طالبان ساخته و پرداخته ئی وزیر داخله خود ما نصیر الله بابر هستند و پاکستان طالبان را برای مستعمره ساختن افغانستان ایجاد کرده است.) و سایر نظریات ...

### **- طالبان اکثراً پیروی مذهب و هابی میباشند؟**

مذهب و هابیت:- شاخه از مذهب حنبلی (سنی) است. بنیانگذار آن شیخ محمد عبدالوهاب از جمله علمای مذهب سنی در عربستان بود.

ابن تیمیه در سال (۱۲۶۳) میلادی در یکی از شهرهای ترکیه بدنیا آمد و در سال (۱۳۲۸) میلادی بعد از ۶۵ سال زندگی وفات نمود. ابن تیمیه را باید مغزی متفکر در جهت تفرقه اسلام، قتل و قتل مسلمانان و کشتار انسانان در سایر نقاط جهان که سبب اسلام سنتیزی در سراسر جهان گردیده است بشمار آورد که برخورد سلفی های امروز مانند القاعده و طالبان نمونه از طرز تفکر او است.

به اساس گزارش سرویس بین الملل (بازتاب) در نشریه احداث مغربیه که از پرتیراژ ترین روزنامه مراکش میباشد در مقاله ای به توضیح برخی از افکار عجیب ابن تیمیه، پدر فکری القاعده و جریان خطرناک و هابیت پرداخته است. در بخشی از این مقاله آمده است: ابن تیمیه با اندیشه و عقل بکلی مخالف است و خواستار الغاء عملکرد عقل از تمام شئون زندگی است و با فکر کردن و اندیشیدن دشمن بود، مگر اینکه آن فکر و اندیشه در راستای تائید نقل و احادیث باشد.

ابن تیمیه میگوید: سلف صالح به نیابت از ما، اسلوبها و روشهای تعیین نموده و از ما باید تبعیت و تقلید نمایند. ما باید تماماً در خط و اسلوب، کردار و گفتار سلف صالح راه برویم و نقش ما تبعیت است. و به نفع ما میباشد در واقع او تمامی نمادها و مظاهر زندگی عصر فعلی را نفی میکند و مسلمانان را فرا میخواند که تمامی روابط خود را با کفار قطع نمایند و در تمامی امور با آنان مخالف باشند.

و هابیان خون غیر مسلمان، منافقین و کفار را حلال میدانند. سایر مسلمانان که از شیوه و روش آنها پیروی نمیکند، در زمره منافقان و کفار قرار میدهند در مورد شیعیان بر حسب تفکرات ابن تیمیه آنان بزرگتر و گناه آنها عظیم تر از کفار اصلی است.

ابن تیمیه به ترقی، علم، فرهنگ و هنرچندان معتقد نبوده، چنانچه پیروانش به تخریب آثار هنری و باستانی افغانستان و یا تخریب اماکن مقدسه که علاوه بر تقدس نزد پیروانش، جنبه هنری و علمی داشت، اقدام نمودند و آنها را نفی میکنند. امروز سلفیهای جهادی مانند زرقاوی،

القاعده، طالبان و غیره شاخه های مذهب و هابیت، همان دیدگاه سنتی ابن تیمیه را به ارث برده و روزانه مرتکب شریکترین جنایات در کشور ما و دیگر کشورهای جهان میگردند. و هابیان در تائید جنایات خویش با پروئی اضافه میدارند که:

بزرگان ما خط مشی روشن را در مورد شیعیان در اختیار ما گذاشته در جای دیگر میگویند: عقب شیعه نماز نه خوانید، به آنان سلام ندهید، با آنها از دواج نکنید و از گوشت ذبح شده توسط آنان نخورید و مطالب بیشتر...

**(آیا انسان و مسلمان واقعی دارای چنین عقاید میباشد و مرتکب چنین جنایات میگردند ؟)**  
جواب منفی است چرا که با انجام اعمال تروریستی و حملات انتحاری:

۱- آنان قاتلین بوده و از نظر اسلام و قوانین انسانی قتل و کشتار انسان تحت هر عنوانیکه باشد بزرگترین جنایت و عمل نابخشودنی میباشد. اختلافات دینی، مذهبی، قومی، سیاسی و غیره دلیل سلب حیات انسان شده نمیتواند.

۲- رهبران این گروه هاجتا به پیروان خود هم ترحم نه نموده از اعتقادات پاک اسلامی شان سئو استفاده نموده با تبلیغات دروغین و زهر آگین تحت نام جهاد، ابتدا آنان را اشتشوی مغزی مینمایند و با تحریک احساسات مذهبی و تزریق نظریات منفی سبب میگردند تا جان های شان را فدای امیال شوم آنان نمایند. لذا جوانان بی تجربه که از مفهوم و معنی اسلام مطلع نمیشاند تحت تاثیر اعتقادات پاک مذهبی قرار گرفته، مرتکب اعمال انتحاری (خودکشی) میگردند. سوال پیدا میشود که:

**آیا رهبران القاعده و طالبان مانند بن لادن، الظواهری، ملا عمر یا اعضای فامیل شان در راه اسلام تحت نام جهاد که به نظر آنان عمل انتحاری میباشد خود رافدا نموده و یامینمایند؟**

جواب هم منفی است چرا که نمی خواهند جان های شرین خود و اعضای فامیل خویش را در این دنیای پراز لذت تحت نام جهاد فدا کنند. همه امکانات مادی و معنوی زندگی پر تجمل برای شان مهیا میباشد. آنان تحت نام جهاد و اسلام ثروت و جایدهای رابیشمار را طریق فریب دادن مردم، قاچاق مواد مخدره، چور و چپاول دارائی ها خصوصی و عامه و سایر نیرنگ ها اندوخته اند و از نعمات دنیوی استفاده موثر مینمایند. اما در عوض مردم غریب، پاکدل و ساده را اغوا نموده در جهت اهداف شوم خویش آنان و سایر انسانان را بقتل میرسانند. با ذکر عوامل فوق طالبان تربیه شده، قدرت دولتی را با کشتارهای فردی و دسته جمعی بشکل نسل کشی و تطمیع پولی بعضی قوماندانان مسلح، بتاريخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۶ شهر کابل را بهمکاری ناراضیان حکومت دوکتور نجیب الله و استخبارات پاکستان تصرف و جنایات متعدد را از جمله شهادت نجیب الله و سایر هموطنان بیگناه ما انجام دادند.

رهبران و کادرهای نظام طالبی که اکثراً بیسواد و متشکل از طلبه و اشخاص متعصب مذهبی بودند و میباشند، از عدالت، قانون و قانونیت، احترام به حقوق انسان، تساوی (حقوق مرد و زن، حقوق ملیتها) و سایر آزادیهای و عنعنات مردم اعتقاد و آگاهی لازم نداشتند. در شکل و میتود پایمال و سلب نمودن حقوق هموطنانما باخط درشت، جنایات مختلف را در ساحات متعدد ثبت تاریخ کشور ما و جهان نمودند.

طالبان در فهم و برداشت از پدیده ها و تحولات اجتماعی، برخورد با مردم و مخالفین شان بیشتر تحت تاثیر عنعنات و رسوم بدوی - قبیلوی بودند تا از قوانین و ارزشهای اسلامی. آنان با تساوی حقوق، آزادی افراد، علم و فرهنگ، تمدن، پیشرفت، تکنالوژی، زندگی مدرن

وشهری به مخالفت پرداختند. در قدمه اول حقوق و آزادی های بیشتر از نصف نفوس جامعه افغانی (زنان) را محدود و در بعضی حالات سلب نمودند. برای اساس طالبان برای حضور زنان در انظار عامه محدودیت های تنگ نظرانه را وضع کردند و از زنان خواستند که حتی الامکان در انظار عمومی ظاهر نشوند و زمانی از خانه خارج شوند که پوشش کامل داشته باشند. منظور ایشان از پوشش کامل، پوشیدن چادری بزرگ بود که سرتا پا را می پوشاند و یک توری کوچک مستطیل شکل در جلوی چشمان که حداقل دید را امکان پذیر سازد، داشته باشند. مولوی متوکل وزیر خارجه طالبان در مصاحبه ای با یک ژورنالست خارجی که پرسید:

**چرا مردم را شما در استد یوم ورزشی که محل تفریح جوانان است، اعدام میکنید؟**  
جواب (اگر شما غربی ها برای ما جای مناسب که دور از شهر باشد آباد کنید تا ما گنهکاران را اعدام کنیم، در اینجا این کار را نمی کنیم!!!)

مولوی محمد عمر در واکنش به درخواست سازمان ملل برای رعایت حقوق بشر و حقوق زنان، صریحا اظهار داشت: دستیابی زنان به تحصیل و آموزش در مراکز آموزشی، به معنی اعمال سیاست کفر و ترویج بی عفتی و فحشا در افغانستان است. طالبان هرگز به زنان اجازه نمی تحصیل و اشتغال نخواهد داد. هدف طالبان جلب رضایت جهانیان نیست، بلکه اجرای احکام شریعت است.





گوش ها و بینی عایشه به دستور طالبان و توسط شوهرش بریده شد و سپس در بیابان رها شد، یک تیم گشت زنی ناتو به طور تصادفی به او برخوردند و او را نجات دادند.

اقدام تجاوزکارانه دیگری بر حقوق و آزادیهای نصف دیگر جامعه که مردان میباشند، محدودیت های دیگر وضع نمودند. طور مثال فرمان مورخ ۴ جدی ۱۳۷۵ خادم اسلام امیرالمومنین مجاهد ملامحمد عمر آخذن چنین آمده که :

(به تمام والی صاحبان و ولسوال صاحبان محترم ! السلام علیکم و رحمته الله وبرکاته ، از آنجائیکه در افغانستان گناه کبیره آشکار ریش تراشیدن و ریش قطع کردن است، درحالیکه ما اختیار کامل داریم، فتوی فتاوی عالمگیر است هرکسی که اختیار دارد. دفع منکر بالایش واجب میگردد. بدین لحاظ آرزو مندیم، هر ولسوال در ولسوالی خویش، و والی در ولایت، جلسه های بزرگ دایر نماید و به تمام مسلمانان به طور جدی اعلان نماید که هرگاه در آینده کسی ریش خویش را تراش و یا کوتاه نماید ما آنرا بندی میکنیم ....) .

طلبه های اداره امر بالمعروف .. نه تنها در ریش تراشیدن مردم را اذیت و مجازات میکردند در معابر عمومی در **نه تراشیدن** موهای سایر اعضای بدن نیز اذیت و شکنجه میکردند. قرار چشمدید هموطنان ما در راهرو زیرزمینی مقابل هوتل پلازا واقع مرکز شهر کابل جوانان و مردان را متوقف مینمودند از بالای تنبان موی های آله تناضلی شان را کش میکردند هرگاه از اثر آن عمل غیر انسانی شان، آن شخص تکان میخورد آنرا به اتهام نه تراشیدن سنتها مجازات نموده و توسط کیبل شلاق میزدند.

طالبان به دموکراسی و حقوق بشر اعتقاد نداشته و به اراده مردم هیچ گونه اهمیتی قایل نه بودند و در انتخاب رهبران و نظارت بر اعمال آنان را مجاز نمی دانستند .

در دسامبر ( ۱۹۹۸ م ) مقامات قضایی طالبان پای چپ و دست راست شش نفر را به جرم راه گیری و سرقت بریدند. سپس آنرا را در چهار راهیهای شهر کابل اویزان کردند. پس از گذشت یک هفته مامورین امر بالمعروف امر کردند که دست و پاها از چهار راهیها پایین کرده شوند. بریدن دست و پای مجرمین ، خلاف قانون و موازین حقوق بشر میباشد و رعایت این اصول و موازین در تمام جهان از جمله الویت ها در جهت رعایت و حاکمیت قانون میباشد. اما طالبان با توحش و قساوت چنین اعمال را مرتکب شدند، که نماینده گی از وحشت آنان را مینمود .

ملا عمر رهبر طالبان در فتوای نمره ۱۷ مورخ ۱۱ سنبله سال (۱۳۷۷) هجری شمسی که در نشریه ظاله حزب الاسلام مربوط طالبان که در پاکستان بچاپ میرسد چنین بیان داشت که فشرده فتوای ملا عمر را مجله کیهان چاپ لندن به نشر رسانیده است :

( ما امیرالمومنین امارت اسلامی افغانستان در استجابیت استغار مومنان در رابطه با حکم مقدس (شرح مقدس) نسبت به روافض ( شیعیان ) داده که سلف صالح محاربه با آنها را فرض و واجب دانسته اند، حکم فوق شامل اولاد و عیالات آنها نیز میشود و معامله با نسوان بعنوان جاریه ( کنیز ) اشکال شرعی ندارد . )

مفهوم سادهء این فتوا اینست که کشتن شیعیان بعنوان رافضی واجب است ، دختران و زنان شان را نیز بعنوان کنیز بگیریید و هرکاری می خواهید با آنها بکنید .

در نظام طالبان تفکیک قوا بملاحظه نمیرسید. تصامیم امور اجرائیه ، مقننه و قضایه توسط رهبر (امیر المومنین) و سایر ملایان و اخند ها اتخاذ میگردد. در دوره طالبان از یکطرف قوه مقننه وجود نداشت تا قوانین را تصویب نمایند مگر جهت سهولت در امور روزمره با صادر نمودن فرامین و توصیه های امیر المومنین، برای منافع ضرورت مندان در قوانین نافذه قبلی تعدیلات بعمل میآوردند. بعد از سپری شدن مدتی و بروز معضلات تناقضات فرامین با قوانین قبلی در ادارات که اکثراً مامورین رژیمهای قبلی اجرای وظیفه مینمودند، چنین فرمانی در شکل صادر شد. فرمان امیر المومنین درباره اسناد تقنینی :

**تمام آنده قوانین، مقررات و اساسنامه هایکه احکام آن مغایر شریعت اسلامی و فقه حنفی نباشد نافذ شمرده میشود.**

بدین اساس دولت یا رژیمیکه طبق نورمهای حقوقی در جهت رفاه و بهبود زنده گی اتباع کشور فعالیت میکرد، وجود نداشت. در دوره طالبان ۱۹۹۶ الی اکتوبر ۲۰۰۱ م مجموعاً ۱۷ شماره جریده رسمی (از شماره های ۷۸۳ الی ۷۹۹) بشمول اعلانات تجارتي و بعضی قوانین مانند قضایای دولت، تحصیل حقوق، رهنمائی معاملات، بررسی شکایات، سارنوالی و... نشر گردیده اما این اسناد را نمیتوان قانون نامید. چراکه از نظر شکل، متن، محتوا و ارگان تصویب کننده آن دارای خلا و نواقص بود و آن اسناد ناقص در روی کاغذ باقی ماند. اکثراً نقش عمده را در تحقق تصامیم به شکل جابرانه که تخطی و تجاوز آشکار به حقوق و آزادیهای مردم بود توسط اداره امر بالمعروف و نهی عن المنکر صورت میگرفت. این مقررہ نمونه خوبی از فرامین و مقررات آن دوره میباشد که از عدم موجودیت نظام حقوقی در آن دوره را حکایت مینماید.

به اساس مقررہ فوق طلبه های اداره امر بالمعروف به ملائیکه های عذاب تبدیل شدند. چنانچه شخص امیر المومنین طی فرامین و توصیه های مختلف بر علاوه تائید جنایات شان در جلوگیری از ظلم و تجاوز به حقوق و آزادی های مردم هدایت داده است :  
(- در مورد عدم لت و کوب اشخاص، طلبای محترم سلام علیکم : شما بسیار ظلم نه نمائید و با بیت المال خیانت نه کنید، آن طلبا دونه را در قشله جدید به سرقت دستگیر نموده بودند هر دو تن را بالا اثر لت و کوب کشتند. محکمه دوهزار لک دیت را بالای بیت المال لازم نموده. محکمه چنین فیصله صادر نموده است که این قسم زدن موکول به اجازه امام یا امیر میباشد ... و این چنین زدن را قانون انگریز هم اجازه نمی دهد.... )

چنین واقعات بمراتب صورت گرفت که توسط کییل ها مردم لت و کوب میشدند.  
- فرمان شماره (۹۹۱) امیر المومنین به تمام مسئولین محترم ادارات ملکی و نظامی کشور :  
طوریکه اطلاع است در بعضی از ولایات، ولسوالیها و مراکز نظامی اکنون هم بدون امر شرعی لت و کوب میگردند و یکتعداد به این قسم فوت گردیده اند. شما باید تمام مسئولین ماتحت خویش را که با مردم چنین رفتار مینمایند احضار نموده و از جانب ما برای شان بگوئید که بدون فیصله شرعی و امر من باید هیچ کس لت و کوب نگردد. هرگاه لت و کوب شخص ضروری پنداشته شود باید در آن وقت توسط مخابره یا از طریق دیگر از من اجازه خواسته شود.

توصیه و پیغام امیرالمومنین ملا محمد عمر مجاهد به منظور قانونی نمودن (دین الله) و در نظر گرفتن اهداف تحریک :

طالبان محترم - این رابه کسانی میگویم که به جنگ نمی روند و یا هم به این فکر میباشند که در جنگ موثر پیدا کنند. از محل جنگ گریزمیکنند و اسلحه و موتر دزدی میکنند و یا هم در فکر هوا و چوکی میباشند. پس اگر چنین اشخاص توبه نکنند زیانکاران دنیا و آخرت خواهند بود. بر علاوه اینکه فرامین فوق ثابت کننده سایر جنایات طالبان میباشد، امیرالمومنین سایر اتباع کشور را در ترانشیدن ریش خود شان مجازات مینماید، اما طالبان را که مرتکب قتل سرقت ودها تجاوز به حقوق مردم میگردند با هادایات و رهنمود هابه آخرت متوجه میسازد.

فرمان شماره ۱۱۳ امیرالمومنین تحت عنوان عدم مداخله مسئولین در امور محبوسین امر بالمعروف ونهی عن المنکر، بر خودسری و یکتازی اعضای اداره امر بالمعروف افزود : به منظور جلوگیری بهتر اعمال غیر شرعی ... هدایت داده میشود تمام کسانی که اعمال غیر شرعی را انجام میدهند از طرف مسئولین امر بالمعروف دستگیر میگردند باید به امر ایشان محبوس و رها گردند. شما در آن تصرف نه نمائید.

مطلب دیگر اینکه در اسلام رعایت حقوق دیگران فرض بوده و تجاوز به حقوق دیگران از جمله عمل لواطت از گناه های کبیره شمرده شده و چنین مجرمین طبق احکام شرعی حد بر آنان جاری میگردد. با اساس اسناد دست داشته در قوانین اسلامی چنین پیش بینی شده :

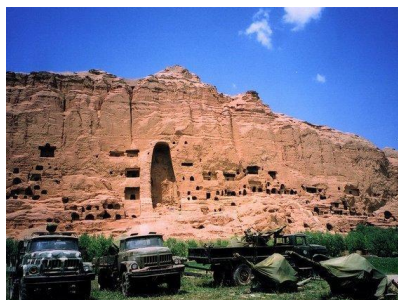
- ۱ - فاعل و مفعول هر دو بالغ، عاقل و مختار باشند : حکم هر دو اعدام است.
  - ۲ - فاعل، بالغ و عاقل و مفعول بچه باشد: حکم فاعل اعدام و حکم مفعول، تأدیب است.
  - ۳ - فاعل و مفعول هر دو نابالغ باشند: حکم هر دو تأدیب است.
  - ۴ - فاعل، نابالغ و مفعول، بالغ باشد: فاعل تأدیب شده و مفعول حدّ می خورد.
- تذکر: در احکام یاد شده تفاوتی میان مسلمان و کافر و محسن و غیر محسن نیست.
- ۱ - کشتن و گردن زدن با شمشیر.
  - ۲ - بستن دست و پای مجرم و پرت کردن او از جای بلندی مانند کوه و غیر آن.
  - ۳ - سوزانیدن با آتش.
  - ۴ - سنگسار کردن.
  - ۵ - و بنا بر قوی خراب کردن دیواری روی او.
- حاکم در اعدام مجرم،- اعم از فاعل و مفعول- بین موارد مزبور مخیر است .

مثال دیگر که ده ها هموطنما در پاسخ نه گفتن سوالات گروپ امر بالمعروف شگنجه شدند که یکی از آن سوالات چنین بود ( سنت های چوبی چند میباشد) برای اکثر هموطنان مسلمان این سوال نا مانوس بود. به نظر طالبان سنتهای چوبی عبارت اند از (مسواک، شانه چوبی و میل چوبی سر مه ) بود.

رحیم الله یوسفزی خبرنگار محلی بخش پشتوی رادیو بی بی سی با رهبر طالبان در چند نوبت دیدار و مصاحبه داشت. و گردانندگان رادیو مذکور از لندن با ملا محمد عمر رهبر طالبان چند بار مصاحبه تلفنی انجام دادند. اگر این مصاحبه ها معیاری برای شناخت رهبر طالبان در فهم و قدرت رهبری مدنظر گرفته شود، میتوان گفت که او فردی بدوی، خشن، عصبانی، مستبد الرای و فاقد استدلال، معقولیت و تدبیر در سیاست و اداره بود.

اودر صحبت و ابراز نظر به زبان مادری خود، زبان پشتو ویگانه زبانیکه میتوانست به آن سخن بگوید فاقد بلاغت و فصاحت بود. گفتگوهایش نشان میداد که از دانش دینی نیز بی بهره است. وقتی خبرنگار بخش پشتوی رادیویی بی سی در مصاحبه تلفونی از او پرسید که در سه سال حکومت طالبان اوضاع اقتصادی مردم به شدت رو به خرابی نهاده است شما در بهبود وضع اقتصادی چه برنامه و تدابیری در دست دارید، با لحن خشن جواب داد: ( دا د خلکو کارندی. دادخدای کار دی ...) به این معنی که کار مردم نیست. کار خدا وند است، به کسیکه بخواد زیاد میدهد و به کسیکه بخواد کم میدهد. در بسیار ملک ها وضع اقتصاد خراب است.

طالبان بر علاوه یکه تقویم هجری شمسی را به هجری قمری تغییر دادند، جشن نوروز که از جمله جشنهای باستانی کشور ما میباشد غیر اسلام دانسته از تجلیل آن ممانعت به عمل آوردند. طالبان که از کلتور و عنعنات جامعه پاکستان برخوردار میباشند، به آثار باستانی و میراثهای فرهنگی کشور ما ارزش و احترامی قایل نبودند و طبق برداشت از عقاید عقب مانده شان و هدایات استخبارات پاکستان، در جلسه ۲۶ فیروری سال (۲۰۰۱) میلادی شورای رهبری طالبان به پیروی از فرمان ملامحمد عمر، بتاريخ ۱۱ مارچ (۲۰۰۱) دو بت بودا در بامیان را به ارتفاعی (۵۳ متر) و از جمله شهکارهای تاریخی و فرهنگی کشور ما بود، با انجام جنایت تاریخی خویش، صدمه شدیدی بر آثار باستانی چندین هزار ساله کشور ما که سرمایه ملی بود، صدمه بزرگی بر عواید کشور از ناحیه توریزم وارد نمودند.



طالبان بر علاوه تجاوز به حقوق و آزادی های هموطنان ما بشکل انفرادی، اقدام به نسل کشی و کشتارهای دسته جمعی و از بین بردن و سوختاندن مزارع زراعتی نمودند که میتوان از جنایات شان ذیل شان یادآور شد. جنایات جنگی عمده دوره طالبان بین سالهای ۱۹۹۷ الی ۲۰۰۱ رخ داده است. طور مثال، عقب نشینی نیروهای طالبان از مزار شریف، و بعداً اقدام قتل عام، نیروهای شان در می ۱۹۹۷ انتقام گیری هایی را علیه غیر نظامیان انجام دادند که دست کم ۸۳ نفر را دو قریه بیرون از شهر قتل عام نمودند. مطابق گزارش گزارشگر خاص، ۵۳ نفر شیعه از باشندگان قریه در قزل آباد کشته شدند و حدود بیست خانه آتش گرفت. بزرگان قریه اظهار داشتند: طالبان بعد از ظهر به قریه رسیده بودند یک گروپ ۱۴ یا ۱۵ مرد جوان از قریه گرفتار شده و به میدان هوایی نزدیک برده، ابتداءً شکنجه نموده و متعاقباً به قتل رسانیدند.

در قریه شیخ آباد فقط پیرها مانده بودند بعد از آنکه مابقی باشندگان پس از پیشروی نیروهای طالبان گریخته بودند. طبق گزارش گزارشگر خاص، طالبان وارد قریه شده و سی مرد پیر را شکنجه و به قتل رساندند. سال بعد در آگست سال (۱۹۹۸) میلادی طالبان با حمایت قاطع از جانب پاکستان کنترل مزار شریف را به دست گرفتند. قرار گزارش راپورتر دیده بان حقوق بشر:

**قتل عام در مزار شریف: در ۸ آگست ۱۹۹۸، نیروهای طالبان وارد شهر مزار شریف شدند. در هفته بعدی، نظامیان طالب دست کم ۲۰۰۰ نفر را کشتند که بیشتر آنها غیر نظامی بودند. گزارش ذیل از راپور دیده بان حقوق بشر اخذ شده است. گزارش بنام قتل عام در مزار شریف بر پایه تحقیقات دیده بان حقوق بشر در اکتبر سال (۱۹۹۸) میلادی باشد.**

دقیقاً به خاطر گرفتن انتقام از تلفات نیروهای خودشان در سال قبل، قتل عام نمودند. در (جولای ۱۹۹۹ م) طالبان يك حمله وسیع در امتداد قسمت شمال کابل که شمالی یاد میگردد به راه انداخته، غیر نظامیان را کشته، قریه ها، مزارع و باغها را آتش زدند ظاهراً به انتقام حمایت مردم از نیروهای ضد طالبان و برای جلوگیری از بازگشت مردم صورت گرفت. حدود و اندازه ویرانی و غارت نامعلوم است. قتل عام توسط طالبان در مناطق شمالی مقاومت تا سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ م ادامه داشت.

در ماه می سال (۲۰۰۰ م) سی ویک غیر نظامی اسماعیلی توقیف شده و در نزدیکی مرز ولایات بغلان و سمنگان به قتل رسانیدند. در جنوری سال (۲۰۰۱ م) بعد از شروع جنگ در یکاوانگ بین طالبان و نیروهای ترکیبی حرکت اسلامی و حزب وحدت، طالبان ۱۷۶ مرد غیر نظامی را در شهر یکاوانگ بقتل رساندند. جنگ تا جون سال ۲۰۰۱ م به رهبری ملا داد الله ادامه کرد تا اینکه طالبان مرکز شهر را سوزانده و غیر نظامیان را زمانی که از منطقه عقب نشینی میکردند، کشتند. تا آنکه بنیان گذاران شان در اواخر سال (۲۰۰۱ م) به کمک هم پیمانان شان آن آفت را از کشور ما دور نمودند. ... مطالب فوق نمونه از جنایات، ویرانی و تجاوز طالبان بر حقوق و آزادیهای هموطنان ما بود. لذا بانظر داشت مطالب ذکر شده با قاطیعت میتوان بیان داشت که دردوران طالبان نه تنها که از قانون و قانونیت کمتر اثری بملاحظه میرسید، تخلف و تجاوز بر حقوق و آزادیها ی مردم قوس سعودی خود را در کشور ما پیمود.